

عرضه حدیث در زمان امام باقر (علیه السلام)

تاریخ حیات فکری مسلمانان نشانگر استفاده از رهنمودهای پیشوایان دینی در همه عرصه های دانش است. دانشوران مسلمان همواره کوشیده اند...



تاریخ حیات فکری مسلمانان نشانگر استفاده از رهنمودهای پیشوایان دینی در همه عرصه های دانش است. دانشوران مسلمان همواره کوشیده اند تا رهاورد گشت و گذار خود در بوستان حکمت الهی و گلزار زیبای نبوی و علوی و جعفری را به شکلی متناسب با عصر و زمان، کارا و کارساز ارائه نمایند. در پس این کوشش سترگ، تلاشی بزرگتر و همزاد آن جهت اطمینان از درستی آنچه عرضه می کنند، صورت گرفته است. این تلاش دیرینه، در طول تاریخ تحمّل، نقل و عرضه حدیث مشاهده می شود و تابعی از تغییرات آن بوده است و به جز برهه ای - آن هم فقط به دست اخباریان حنبلی و شیعی که به هر چه حدیث نامیده می شد، اطمینان می کردند - کنار گذارده نشده است. وجود شیوه های گوناگون دستیابی به درستی حدیث، گواه گستره پهناور این تلاش است. عرضه احادیث بر قرآن، عقل و سنّت قطعی و یا نسبت سنجی آنها با واقعیت‌های خارجی، عملی و تاریخی، هر یک فصلی از تاریخ تدوین و عرضه حدیث را به خود اختصاص داده اند. شیوه ای که این نوشته بدان می پردازد، عرضه حدیث بر امامان و عالمان است که بیشتر در دوره نخستین تدوین حدیث یعنی «دوره حضور»، جلوه کرده است. این شیوه که در روایات آن را «عرض الحدیث» می نامند چیزی غیر از مقابله و نسخه خوانی است که در میان استاد و شاگرد رایج بوده است.

گرچه مقابله نسخه ها نیز کوششی جهت زدودن تحریفها، افزوده ها و کاستیهای عمدی و سهوی بوده است. ۱. روش مورد نظر این مقاله، عرضه حدیث یا مجموعه های حدیثی بر امام معصوم و یا اصحاب بزرگ و مورد اعتماد است تا تأیید یا انکار امام را بدست آورند و یا به فهم درست حدیث نائل شوند. همچنین در این نوشته به عرضه گفته های مردم بر امامان و پیشوایان پرداخته نمی شود، مگر اینکه احساس شود آن گفته رایج در میان مردم، فهم و یا برداشتی از حدیث است. با این قید بسیاری از نمونه هایی که می توانند در یک تحقیق گسترده تر، مورد استشهاد قرار گیرند حذف می شود. ۲. افزون بر اینها بررسی عرضه اندیشه های متفاوت کلامی از توحید تا امامت و معاد که به سبب پیوستگی کلام و حدیث بخصوص در دوره های نخستین، پهنه گسترده ای از گفتگوی راویان با امامان را پوشانده است، خود مقاله ای جداگانه می

طلبید. ۳.

زمینه عرضه حدیث
پدیده جعل حدیث و ورود سیل آسای اخبار ساختگی، از همان آغاز و در زمان پیامبر (ص) نشان دهنده نفوذ سودجویان فرصت طلب در صفوف مسلمان است. اینان از علاقه شدید مسلمانان به حدیث آگاه بودند، علاقه ای که پیامبر اکرم نیز از آن خبر داده است. ۴. برای پیشگیری از سوء استفاده سودجویان از آن، در زمان حیات خود هشدارها دادند. خداوند برای نگهبانی از میراث گرانبهای نبوی در مقابل سودجویی فرصت طلبان، پاسداری را گمارده بود که محل رجوع مسلمانان حَقجو بودند. از نمونه های بارز این حقیقت جویان، «سلیم بن قیس الهمدانی» است که به سرنخهایی از اختلاط و التقاط و تفاوت نقلها و دروغ بستنها به پیامبر دست یافت و پی برده بود که انتقال حدیث پیامبر تنها از مجرای علم صحیح اهل بیت میسر است. او به حضور امیرمؤمنان (ع) می رسد تا حقیقت برایش آشکار گردد. حضرت امیر (ع) با ترسیم دقیق فضای حدیث و تحدیث، راز درستی گفته های خود و نادرستی و نقص دیگران را فاش می سازد و با تصویری گویا از گذشته با آن جانی دوباره می بخشد. این روایت طولانی، زمینه و ضرورت عرضه روایت بر پاسداران راستین دین را نمایان می سازد. از این رو قسمت عمده ترجمه آن را می آوریم تا از فایده هایی دیگر نیز بهره مند شویم:

سلیم بن قیس به امیرمؤمنان علی (ع) عرض می کند: من از سلمان و مقداد و ابوذر چیزهایی از تفسیر قرآن و احادیثی از پیامبر (ص) فرا گرفتم که با آنچه در اختیار مردم است تفاوت دارد. آنگاه از تو تصدیق آنچه را که از این سه شنیده بودم، شنیدم، و همچنین چیزهایی فراوان از قرآن و احادیث پیامبر در اختیار مردم دیدم که شما با آنها مخالفت می کنید و تمام آنها را باطل می پندارید. آیا مردم عامدانه بر پیامبر خدا دروغ می بندند و قرآن را با رأی خود تفسیر می کنند؟ حضرت علی (ع) رو به من کرد و فرمود: پرسیدی؛ جواب را دریاب: حق و باطل، راست و دروغ، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، محکم و متشابه و حفظ و توهّم در میان مردم است. در عهد پیامبر آن قدر بر او دروغ بستند تا آنکه بیخاست و در خطبه اش فرمود: «مردم! دروغ بستن بر من فراوان شده است: هر کس بر من دروغ بندد جایگاهش آتش است». اما دروغ بستن بر ایشان ادامه یافت.

حدیث تنها از چهار طریق به شمار می رسد و پنجمی ندارد: مرد منافقی که اظهار ایمان می کند و خود را مسلمان نشان می دهد، هیچ ابایی از دروغ بستن بر پیامبر خدا ندارد و آن را گناه نمی داند. اگر مردم می دانستند که او منافق و دروغگوست، از او نمی پذیرفتند و تصدیقش نمی کردند. ولی او را از صحابه حضرت رسول می پندارند و می گویند: او پیامبر را دیده و از او شنیده است. مردم از او حدیث اخذ می کنند در حالی که به حال او آگاه نیستند. در حالی که خداوند از منافقان خبر داده و آنها را توصیف کرده: «وإذا رأیتم تعجبک اجسامهم و إن یقولوا تسمع لقلوبهم». این منافقان پس از پیامبر (ص) باقی ماندند و با دروغ و تزویر و تهمت، به زمامداران گمراه و دعوت کنندگان به آتش، نزدیک شدند و آنان هم، ولایت کارها را به منافقان سپردند و ایشان را برگرده مردمان سوار ساختند، و با کمک آنان دنیا دار شدند.

مردم با پادشاهان و دنیا هستند مگر کسی که خداوند حفظ کند. این نخستین نفر. [دومین نفر] شخصی است که چیزی از پیامبر خدا می شنود، ولی آن را بدرستی در نمی یابد و گرفتار توهم می شود؛ قصد دروغگویی ندارد؛ حدیث در دست اوست و به آن اعتقاد دارد و عمل می کند و آن را نقل می کند و می گوید: آن را از پیامبر خدا شنیده ام. اگر مسلمانان می دانستند که این سخن توهمی بیش نیست، نمی پذیرفتند و خود او نیز اگر به توهم خود پی

میرد، آن را به دور می افکند. سومین نفر [کسی است که] از رسول خدا شنیده که به چیزی امر کرده ولی از نهی بعدی با خبر نشده یا نهی او را شنیده و از امر بی خبر مانده است. پس منسوخ را به یاد سپرده و ناسخ را حفظ نکرده است. اگر می دانست که آنچه در دست دارد منسوخ است، آن را رها می کرد و اگر مسلمانان هم می دانستند شنیده او منسوخ شده، آن را رها می کردند. آخرین این چهار نفر، بر پیامبر خدا دروغ نبسته است. دروغ را دشمن دارد چون از خداوند می هراسد و پیامبر خدا را بزرگ می شمرد. فراموش نکرده، بلکه آنچه شنیده به همان صورت حفظ کرده است و آن را بدون کاستی و فزونی نقل می کند. ناسخ را

از منسوخ می شناسد، پس به ناسخ عمل می کند و منسوخ را رها می سازد. ۶. طبرسی نیز در احتجاج گزارشی از «سلیم» نقل می کند که ترسیمی دیگر از وضعیت آن روزگار است. ۷. سپس حضرت علی (ع) سخنانی می فرماید که قسمت دوم ادعای مقاله را مستدل می کند؛ یعنی لزوم مراجعه به پاسداران

راستین دین و عرضه شنیده ها و روایات بر آنان. حضرت می فرماید: من همیشه یک بار در روز و یک بار در شب به حضور پیامبر خدا می رسیدم. حضرت با من خلوت می کرد و من ملازم او بودم، صحابه حضرت رسول (ص) به یقین می دانند که پیامبر با هیچ کس جز من این گونه معاشرت نداشت. گاهی ایشان به منزل من می آمد، هرگاه به منزلش می رفتم زنانش را دور می کرد و پیش او جز من کسی نمی ماند، و هرگاه او برای خلوت کردن با من به منزل می آمد، فاطمه و هیچ یک از پسرانم از نزد من بر نمی خاستند. هرگاه سؤال می کردم، پاسخ می داد و هرگاه ساکت می ماند و پرسشهایم پایان می گرفت، او آغاز می کرد. هیچ آیه ای از قرآن بر رسول الله نازل نشد مگر اینکه بر من خواند و بر من املا نمود تا آن را با خط خود نوشتم؛ تأویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و خاص و عام آنها را به من یاد داد و از خداوند خواست که [نعمت] فهم و حفظ آنها را به من عطا کند. پس از زمان دعای پیامبر، هیچ آیه ای را از کتاب خدا و هیچ علمی که املا کرده و نوشته بودم را از یاد نبردم. هیچ چیز از حلال و حرام که خداوند به او یاد داده بود و هیچ امر و نهی و هیچ کتاب نازل شده بر احدی قبل از او از طاعت یا معصیت، نبود مگر اینکه آن را به من یاد داد و حفظ کردم و حتی

یک حرف را فراموش نکردم... ۸. ترغیب امامان به عرضه با شناخت این زمینه و مسائلی دیگر چون وجود تقیه و نسخ، امامان خود بر عرضه حدیث تأکید ورزیدند و اصحابشان را به این نکته متوجه کردند که پیش از دریافت حدیث، مجرای آن را بررسی کنند. امام باقر (ع) این موضوع را مستند به قرآن می سازد و بررسی نقادانه و نظر عمیق و ژرف نگارانه در علم را از مصادیق آیه شریفه فلینظر الانسان إلی طعامه ۹ می داند. امام در جواب «زید شحّام» که از معنی «طعام» پرسیده بود می فرماید:

علمه الذی یاخذه عمّن یاخذه؛ ۱۰ علمی که از کسی فرا می گیرد. همان گونه که انسان باید مواظب خوراکش باشد تا غذایی آلوده را در درون خود جای ندهد و جسم خویش را به خیانت نیالاید، باید روح خود را نیز نگهبانی کند، پاکی آن را حفظ نماید و به گفته های خبیثان آلوده نسازد. این پاسداری همیشگی و نقد همواره کلام و حدیث و علم نه فقط در حوزه گفته های دیگران و دیگر اندیشان است، بلکه به همان شدت در حوزه درونی شیعه نیز سفارش شده است. هرگاه مسئله به دین مربوط شود و مسئله سعادت و شقاوت ابدی به میان آید، تفاوتی بین دوست و دشمن نمی ماند.

امام باقر (ع) می فرماید: من دان الله بغیر سماع عن صادق الزمه الله التیه إلی یوم القیامه؛ ۱۱ هرکس به دین الهی درآید بدون اینکه آن را از شخص صادقی بشنود، خداوند او را تا قیامت دچار حیرت و گمراهی کند. این هشدار را در کنار احادیثی قرار دهید که شیعیان و علم دوستان را به سوی اهل بیت (ع) فرا می خواند و آنان را مصداقهای بارز هدایت و اهل ذکر و درهای علم و راسخان در آن می داند. امام صادق (ع) این هشدار را می دهد و سپس راه نجات را فرا

راه می نهد. إن العلماء ورثة الأنبياء وذاک أنّ الأنبياء لم یورثوا درهماً ولا دیناراً وإتّها أورثوا أحادیث من أحادیثهم فمن أخذ بشیءٍ منها فقد أخذ حظاً وافراً فانظروا علمکم هذا عمّن تأخذون، فإنّ فینا أهل البیت فی کلّ خلف عدولاً ینفون عنه تحریف الغالین وانتحال المبطلین و تأویل الجاهلین؛ ۱۲

عالمان جانشینان پیامبرانند: پیامبران درهم و دینار به ارث نمی گذارند؛ از آنان تنها چند حدیث به ارث می ماند. هر که از آنها چیزی اندوخت، بهره ای فراوان برده است. به علمتان بنگرید که از چه کسی می گیرید، در میان ما اهل بیت همیشه عادلانی هستند که تحریف غالیان و بدعتهای باطل گرایان و تفسیرهای نادرست جاهلان را طرد می کنند.

روش امامان در نقادی حدیث همان روش اعتدالی برگرفته از کلام الهی فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه ۱۳ است؛ یعنی نفی خط افراط: «گوش به هیچ سخنی نسپرید»، و طرد خط تقریط: «هر چه گفتند بپذیرید». تحذیرها و هشدارهای امامان (ع) به معنی سردر گریبان عزلت کردن نیست تا حدیث نگاران، هیچ گونه ارتباط علمی با دگراندیشان حوزه آن روز برقرار نسازند و در حصری خود ساخته، فراموش شوند. ۱۴ بلکه آنان را در طلب حدیث روانه می ساختند و همواره از فتاوا و احکام قضایی و حقوقی معاصران پرسش می کردند و گفته ها و سنتهای رایج را جویا می شدند. آنگاه می خواستند که حدیث و علم فراگرفته را بر ایشان عرضه کنند و صحت و سقم آن را از ایشان بخواهند. کلینی نمونه ای را نقل می کند که ربط تنگاتنگی با عنوان مقاله دارد. او به طریقه اش از «محمد بن فلان واقفی» نقل می کند که امام کاظم (ع) از پسر عموی او

- که فردی زاهد و عابد بوده است - می خواهد در طلب معرفت روان شود و به او می فرماید: اذهب فتنقه واطلب الحدیث، قال: عمّن؟ قال: عن فقهاء أهل المدینه ثم أعرض علی الحدیث. ۱۵ برو فقه بیاموز و حدیث بطلب. پرسید: از چه کسی؟ فرمود: از فقیهان مدینه، سپس آن حدیث را بر من عرضه کن.

از تماس با ایشان باز می داشتند. از این رو به جز یکی دو گزارش از عرضه حدیث بر ایشان، به ما نرسیده است. یک: حدیث سلیم از حضرت علی(ع) که جهت ترسیم فضای حدیث و تحدیث، آن را آوردیم، بر امام حسن و امام حسین(ع) عرضه شده است. سلیم خود به مدینه می آید و حدیث را برای آنان باز می گوید: آن دو می فرمایند: صدقت، حدیث ابونا علی بهذا الحدیث ونحن جلوس وقد حفظنا ذلك عن رسول الله(ص)؛ ۲۶ راست می گویی، پدرمان حدیث را این گونه برای تو گفت و ما نیز نشسته بودیم. ما این حدیث را از رسول خدا به یاد داشتیم [همان گونه که پدرمان برای تو گفت، بی هیچ فرونی و کاستنی].

دو: واقعه ای که می توان به عنوان نمونه ای برای حیات جریان عرضه در زمان امامت امام حسین(ع) بدان استشهاد کرد، عرضه گفته مشهور آن زمان در چگونگی پیدایش اذان است. گرچه این عرضه را «حاکم نیشابوری» از زمان امام حسن(ع) گزارش کرده است. ۲۷ ولی در کتابهای روایی شیعه همچون جعفریات و دعائم الاسلام، آن را به امام حسین(ع) منسوب می دارند. ما در اینجا نقل صاحب دعائم را می آوریم:

از امام حسین(ع) درباره گفته مردم که اذان چنین پدید آمد که عبدالله بن زید خوابی دید و آن را برای پیامبر باز گفت و حضرت بدان امر کرد، سوال شد. امام حسین(ع) فرمود: بر پیامبرتان وحی نازل می شود و شما خیال می کنید که او اذان را از عبدالله بن زید می گیرد؟! در حالی که اذان چهره دین شماست. امام حسین(ع) خشمناک شد و سپس ماجرای معراج پیامبر و آموزش اذان در آن فضای را ملکوتی توضیح داد. ۲۸

این داستان بر امام صادق(ع) نیز عرضه شده است و ایشان نیز به همین صورت پاسخ گفته اند. ۲۹

۴ - عرضه حدیث در زمان امام سجّاد(ع)، امام سجّاد(ع) به تشکیل حوزه ای پنهانی از شیعیان مخلص دست زد. «ابوحمره ثمالی» یکی از بزرگان این حوزه محدود است که علاوه بر نقل بسیار از امام زین العابدین(ع)، به عرضه حدیث نیز پرداخته است. همو می گوید:

به صحیفه ای برخوردیم که در آن گفتاری از امام سجّاد(ع) مربوط به زهد بود. آن را نوشتم، به حضور امام بردم و همه آن را بر او عرضه کردم. امام آن را شناخت و بر درستی آن و هر چه در آن بود مهر تأیید زد.

ابوحمره سپس متن صحیفه را نقل می کند. ۳۰

مجموعه احادیث نقل شده از سلیم بن قیس نیز توسط «ابان بن ابی عیاش» - ناقل مجموعه - بر امام زین العابدین(ع) عرضه شده است. ابان بن ابی عیاش درمخفیگاه سلیم بن قیس با او آشنا می شود و مجموعه احادیثش را اخذ می کند، پس از آن، به بصره می رود و آنها را بر «حسن بصری» عرضه می کند و سپس به حضور امام سجّاد می شتابد و در مجلس سه روزه که «ابوالطفیل» و «عمر بن ابی سلمه» نیز حضور داشته اند، آن را می خواند و هر سه نفر آن را تأیید می کنند. در پایان مجلس، امام سجّاد(ع) می فرماید:

صدق سلیم، رحمه الله، هذا حدیثنا کله، نعرفه. ۳۱

این عرضه را «کشی» نیز از «عمر بن اذینه» گزارش کرده است، گرچه تفصیلات و اطمینان کمتری دارد. ۳۲

۵ - عرضه حدیث در زمان امام باقر(ع)

در اواخر دوره امامت امام باقر(ع)، حکومت امویان رو به ضعف گذارد و فرصتی برای نخله های دینی پدید آمد. شیعیان نیز از این فضای نیمه آزاد سود جستند و نقل حدیث در خانه امام باقر(ع) رونق گرفت. اما این رونق، زمینه را برای دنیاپرستان و ریاست طلبانی چون «مغیره بن سعید» نیز آماده کرد. او که از پایه گذاران خط غلو است به همراه دیگر غالیان، منافقانه در صف اصحاب امام باقر(ع) نفوذ کردند ۳۳ و به جعل حدیث و دروغ بستن دست یازیدند. از این رو راویان اندیشمند شیعه به عرضه های متعددی بر امام باقر(ع) رو آوردند؛ گرچه همه آنها تنها حاصل این انگیزه نبوده است و به سبب به صحنه آمدن امام و رفع اختناق و فشار، نقد و بررسی اندیشه های دیگر را نیز در این عرضه ها، می جستند. اینک نمونه ها:

یک: شیخ طوسی در فهرست، «عبد بن محمد بن قیس بجلی» را صاحب کتاب دانسته است. عبید از قول پدرش نقل می کند که او کتاب را بر امام باقر(ع) عرضه کرده است و امام فرمود:

هذا قول امیرالمؤمنین، اینه کان یقول إذا صلّی... و سپس بقیه کتاب را نقل کرده است. ۳۴ به احتمال فراوان این کتاب، همان کتاب قضایا و سنن ابورافع است. «ابو رافع» خازن بیت المال کوفه در زمان خلافت حضرت علی(ع) بوده است.

دو: عبدالله بن عطا: قلت لأبی جعفر(ع): اینه الناس یقولون: اینه علی بن ابیطالب - صلوات الله علیه - قال: اینه افضل الإحرام أن تحرم من دوبره أهلک. فانکر ذلك أبو جعفر(ع) فقال: اینه رسول الله(ص) کان من أهل المدینه ووقته من ذی الحلیفه و اینه کان بینهما سته أمیال ولو کان فضلاً لأحرم رسول الله(ص) من المدینه ولكن علیاً - صلوات الله علیه - کان یقول: تمتعوا من ثیابکم إلی وقتکم؛ ۳۵

عبدالله بن عطا می گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: مردم از حضرت علی(ع) نقل می کنند که فرموده است: بهترین احرام آن است که در همان محل سکونت محرم شوی. امام باقر(ع) انکار کرد و استدلال کرد که حضرت رسول الله(ص) ساکن مدینه بود و میقات او «ذوالحلیفه» بود، و بین این دو شش میل فاصله است و اگر این، فضیلت بود حضرت می بایست از مدینه محرم می گشت. برخلاف این گفته، علی(ع) می فرمود: تا میقات، از لباس خود بهره جوید.

سه: «محمد بن مروان» از روایانی است که شاهد عرضه حدیث بر امام باقر(ع) بوده است و آن را چنین گزارش می کند: قال رجل: جعلت فداک، اینه بیروون ان امیرالمؤمنین(ع) قال بالكوفه علی المنبر: لو لم یبق من الدنیا إلا یوم، لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث الله رجلاً منی یملاها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً، قال أبو جعفر(ع): نعم؛ ۳۶

شخصی به امام باقر(ع) عرض کرد: فدایت شوم! از امیرمؤمنان روایت می کنند که او در کوفه بر منبر فرمود: اگر حتی یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن را چنان طولانی می کند تا مردی را از خاندانم برانگیزد که جهان را پر از عدل و داد کند، آن گونه که از ظلم و ستم برگشته است. حضرت باقر(ع) آن را تصدیق کرد.

چهار: کلینی در کافی ۳۷ از عرضه ای گزارش می دهد که حاکی از بی اعتنایی راویان و شیعیان به اسم و شهرت راوی است: کوفیان به حجّ می روند و «زراره» دستوری به آنها می دهد. آنها به مدینه می روند و دستور زراره را که ظاهراً مستند به حدیث بوده، بر امام باقر(ع) عرضه می کنند و عظمت و استادی زراره مانع از عرضه نمی شود. راوی این عرضه، برادر زراره است. از آنجا که فهم و حلّ روایت احتیاج به فقه الحجّ دارد توضیح آن را در کتابهای فقهی بنگرید.

پنج: از عرضه گزارشهای تاریخی بر امام باقر(ع) نیز نمونه ای در دست است: «بکیر بن عبیدالله» از «ابو عثمان البجلی» - که چهل سال مؤذن بوده است - می شنود که می گوید:

شنیدم که علی(ع) در روز جنگ جمل این آیه را می خواند: وان نکثوا أیمانهم من بعد عهدهم وطعنوا فی دینکم فقاتلوا ائمه الکفر انهم لایمان لهم لعنهم بینهون. سپس به هنگام قرائت، قسم یاد کرد که با گروه مورد اشاره این آیه تا آن روز جنگی رخ نداده است. بکیر می گوید: این گفته را از امام باقر(ع) پرسیدم: فرمود: شیخ [ابوعثمان البجلی] راست می گوید؛ علی(ع) این گونه گفت، همین گونه بود. ۳۸

عرضه حدیث بر امام باقر(ع) نمونه های دیگری هم دارد که در بخش «انگیزه های عرضه» بدانها اشاره می شود.

۶ - عرضه حدیث بر امام صادق(ع)

عرضه مجموعه های متعدد روایی و احادیث متفاوت فراوان بر امام صادق(ع) نشانگر تشدید این جریان در عصر امام جعفر صادق(ع) است. با نگاهی به کشمکشهای سیاسی و فرقه ای این دوره حساس تاریخی می توان راز تعمیق و تشدید عرضه را در این دوره یافت؛ دوره ای که هویت تشیع، تثبیت شد و شیعه جعفری از شیعه زیدی، بتری و فرقه های مختلف دیگر تمایز یافت. اصحاب و راویان تربیت یافته در این مکتب به عنوان شاخصهایی برای محک زدن درستی هر آنچه به شیعه و امامان او نسبت داده می شد، مطرح شدند و آنان نیز با عرضه مجموعه های حدیثی نوشته و یا نقل شده، خود، امنیت میراث شیعی را تضمین کردند. ۳۹

این عرضه موجب گشت، ساده اندیشی از دایره حدیث شیعه رخت بریند و دست جاعلان کوتاه اندیش - که کم نبودند - از دامان حدیث کوتاه گردد. تنها احساس هولناک ردّ امام نسبت به حدیثی کافی بود که بسیاری از منافقان داخل شده در صفوف شیعه را از کرسی نقل حدیث، پائین کشد و آنان را از حریم پاک آن دور سازد، گرچه بکلی کنار نرفتند.

از مهمترین جریانات نادرست این دوره، خط غلو است. غالیان که در پی کسب ریاست، جلوتر از دیگران می دویدند و امامان معصوم را برتر از جایگاه حقیقی خود می نشانند و سپس خود را جانشین ایشان می خواندند، مورد بیشترین هجوم امام صادق(ع) و یاران راست اندیش ایشان قرار گرفتند؛ به گونه ای که نمونه های متعددی از آن را در کتابهای اصلی رجال و بخصوص رجال کشی در احوال غالیانی چون «ابوالخطاب» و «یونس بن ظبیان» می یابیم. ۴۰

در این راستا امام صادق(ع) از اصحاب خود، اندیشه ها و گفته های سرکردگان خط غلو را جویا می شود و به ردّ و انکار شدید آنان می پردازد. برای نمونه، امام از «عنسه بن مصعب» می خواهد که شنیده هایش از «ابوالخطاب» را بازگوید و آنگاه که او گفته ها را به پایان می برد، امام با قسم جلاله به ردّ آنها می پردازد. ۴۱

در نمونه ای دیگر، «حمادی» حدیثی مرفوعه را نقل می کند که حکایت از عرضه ای دیگر دارد. راوی، گفته ها و حدیثهای غالیان را که به امام منتسب ساخته اند، پاور نکرده و آنها را به امام عرضه می کند.

روی عنکم ان الخمر والمیسر والانصاب والالزام رجال؟ فقال: ما کان الله عزوجل لیخاطب خلقه بما لایعلمون؛ ۲۴

از شما روایت شده است که شراب و قمار [و تمام گناهان بزرگ] مثالها و تمثالهایی از افراد هستند. امام فرمود: خداوند به گونه ای که مردم نفهمند، سخن نمی گوید.

اینگونه معنی و تاویل کردن احکام و آیات، بیشتر با اغراضی شیطانی انجام گرفته است و به تعبیر قرآنی مصداق یرید الانسان لیفجر امامه ۴۲ بوده است تا هم خود از شهوت حیوانی بهره ببرند و هم خیل پیروان دنیا پرست را به دور خود انبوه کنند.

عرضه حدیثی دیگری نشان می دهد که این تاویل در احادیث امام باقر(ع) هم صورت گرفته است:

فضیل بن عثمان: سئل ابو عبد الله (ع) فقیل له: ان هؤلاء الاخابث یروون عن ابیک یقولون: ان اباک (ع) قال: اذا عرفت فاعمل ماشئت، فهم یستحلون بعد ذلک کلّ محرّم، قال: مالهم لعنهم الله؟! انما قال ابی (ع): اذا عرفت الحق فاعمل ما شئت من خیر یقبل منک؛ ۴۳

فضیل بن عثمان می گوید: از حضرت صادق(ع) سؤال شد که: این خبیثها از پدرت روایت می کنند که ایشان فرمود: «چون معرفت پیدا کردی هر کار خواهی بکن»، و بر این اساس هر حرامی را حلال می شمردند. امام صادق(ع) فرمود: چطور؟! خداوند ایشان را لعنت کند! منظور پدرم این بود که پس از شناخت حق، هر کار خیری خواستی انجام ده که از تو قبول می شود.

گزارش این واقعه که خود یک عرضه حدیثی است، در بخش «انگیزه های عرضه» خواهد آمد.

غلو و افراط غالیان در علم امام نیز، زمینه را برای تردید راویان شیعه در احادیث مربوط به این موضوع، فراهم آورد و آنان را ناگزیر از عرضه هرگونه حدیثی مربوط به علم امام نمود.

«کشی» تعدادی از این احادیث را گزارش کرده است. ۴۵ نمونه هایی دیگر نیز در بحارالانوار یافت می شود که به یک مورد اشاره می کنیم:

ابو ربیع شامی می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم که حدیثی از «عمرو به حمق» به من رسیده است حضرت فرمود: آن را عرضه کن.

[گفتم:] عمرو می گوید که بر حضرت امیرمؤمنان وارد شد، حضرت زردی چهره او را دید و علت آن را جویا شد؛ عمرو بیماری خود را می گوید. حضرت علی(ع) می گوید: ما از شادی شما، شاد و از اندوهتان، اندوهناک و از ناخوشیتان، ناخوش می شویم و برایتان دعا می کنیم و به دعای شما آمین می گوئیم. عمرو می گوید: آنچه گفتید فهمیدم ولی چگونه به دعای ما [نشنیده و ندیده] آمین می گوئید؟

حضرت علی(ع) فرمود: حاضر و غایب بر ما یکسان است.

امام صادق(ع) پس از شنیدن حدیث فرمود: عمرو راست می گوید. ۴۶

عرضه احادیث فقهی بر امام صادق(ع)

با فرصتی که در اثر درگیریها سیاسی امویان و عباسیان پیش آمد، امام باقر و امام صادق(ع) توانستند، افزون بر عقاید، فقه شیعه را نیز رشد داده و آن را دقیقتر و صحیحتر سازند.

پیدایش این مجموعه مرکب از فقه و فقیه و امام، و استاد و شاگردان و کتاب، شاخصی برای نقد و ارزیابی شنیده ها و فتاوی و آرای متفاوت - که بیشتر رنگ حدیث داشت - به دست داد و حدیث نگاران فقیه و خردورز، چون «زراره» و «محمد بن مسلم» و «ابان بن تغلب» از آن برای قبول و یا رد حدیث سود می بردند. آنان افزون بر حفظ تعداد فراوانی از احادیث، توانسته بودند در پرتو تعالیم دو امام، قواعدی برای فهم کتاب و سنت و محک زدن اخبار و روایات بیابند. از این رو راویان بزرگی همچون «عمر بن اذینه» با عرضه نوشته ها و دانسته های خود به «زراره» اکتفا می کنند و حتی کسی چون «سلمه بن محرز» حدیثی که خود

شنیده بر او عرضه می‌کند ۴۷ که در بحثهای بعدی مقاله به آنها اشاره می‌شود. ۴۸ اما بسیاری از راویان به عرضه مستقیم بر امام، علاقه داشتند، علاقه ای که گاه به حدّ و سواس می‌رسید و ما نمونه‌هایی از آن را در بخش «انگیزه‌های عرضه» خواهیم آورد.

اینک احادیث منفرد: یکن: عامر بن عمیره: قلت لأبی عبدالله(ع): بلغنی عنک أتک قلت: لو أنّ رجلاً مات ولم یحجّ حجّه الاسلام فحجّ عنه بعض أهله

أجزأ ذلک عنه. فقال: نعم...۴۹
عامر بن عمیره می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: به من چنین رسیده است که فرموده‌اید اگر مردی مُرد و حجّ نگذارد و فردی از خانواده اش از جانب او حجّ گزارد، کفایت می‌کند. حضرت فرمود: آری.

امام سپس در ادامه به حدیث حضرت رسول(ص) استشهد می‌کند.
دو: زراره: قلت لأبی عبدالله(ع): ما یروی الناس إن الصلاة فی جماعه أفضل من صلاة الرجل و حده بخمس و عشرین صلاه.
فقال: صدقوا؛ ۵۰

زراره می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: حدیثی که مردم درباره برتری نماز جماعت نقل می‌کنند و ارزش آن را بیست و پنج برابر نماز فرادا می‌دانند، چگونه است؟ فرمود: راست می‌گویند.

سه: عرضه حدیث دیگری که مرتبط با این بخش است، احادیث کامل بودن ماه مبارک رمضان است که مورد انکار بیشتر محدثان و فقیهان شیعی است. از این روی بعضی چون کلینی، تنها به یکی دو حدیث و آن هم در باب نوادر اشاره می‌کنند، ۵۱ و کسانی چون شیخ در تہذیب، آنها را به همراه معارضها و با بیانی برای حلّ و فهم معنایشان عرضه کرده‌اند. ۵۲ تنها شیخ صدوق روایتها را قبول کرده است. در هر دو کتاب شیخ صدوق و طوسی، گزارشی از عرضه این احادیث بر امام صادق(ع) آمده است. ۵۳

چهار: علی بن مغیره می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: فدایت گردم! آیا از لاشه حلال گوشت مرده چیزی قابل استفاده است؟ فرمود: نه؛ گفتم: به ما چنین رسیده است که رسول‌الله(ص) به گوسفندی مرده گذشت و گفت: چه می‌شد اگر صاحبان این گوسفند که از گوشت آن سود نبردند، از پوستش بهره می‌بردند؟

امام صادق(ع) فرمود: آن گوسفند از آن سوده دختر زمعه و همسر حضرت رسول(ص) بود و بسیار لاغر به گونه‌ای که گوشتی برای استفاده نداشت، از این رو رهایش کردند تا مرد. حضرت رسول(ص) فرمود: حال اگر نمی‌توانستند از گوشتش استفاده کنند حداقل او را ذبح می‌کردند و از پوستش سود می‌بردند. ۵۴

افزون بر احادیث فقهی، احادیثی با مضمونهای مختلف بر امام صادق(ع) عرضه شده است که به بعضی در قسمت «ترغیب امامان به عرضه» اشاره کردیم و برخی نیز در بخش «انگیزه‌های عرضه» می‌آید. در اینجا نمونه‌های متفاوتی را ذکر می‌کنیم.

یکن: قال رجل لأبی عبدالله(ع): حدیث یروی ان رجلاً قال لأمیر المؤمنین(ع): إتی أحبک. فقال له: أعدّ للفقیر جلیاباً. فقال: لیس هكذا قال. إتیها قال له: أعددت للفقیر جلیاباً، یعنی یوم القیامه؛ ۵۵
مردی به امام صادق(ع) عرض کرد: روایت می‌شود که فردی به امیرالمؤمنان گفت: من تو را دوست می‌دارم. حضرت فرمود:

پوششی در مقابل فقر آماده کن.
امام صادق فرمود: این گونه نگفت؛ حضرت امیر این گونه فرمود: پوششی برای فقر و نیازت آماده ساخته‌ای؛ یعنی در روز قیامت.

دو: عبدالاعلی مولی آل سام: قلت لأبی عبدالله: إتی نروی عندهنا عن رسول الله(ص) أنّه قال: إنّ الله تبارک و تعالی بیغض البیت للحمّ. فقال: کذبوا، إیما قال رسول الله: البیت الذی یغتابون فیہ الناس ویأکلون لحومهم وقد کان ابی لهما ولقد مات یوم مات و فی کفّ امّ ولده ثلاثون درهما للحمّ؛ ۵۶
عبدالاعلی می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: روایتی نزد ماست که رسول‌الله فرمود: خداوند تبارک و تعالی از اهل خانه ای که در آن گوشت می‌خورند، ناخرسند است.

حضرت فرمود: دروغ می‌گویند: رسول خدا فرمود: اهل خانه ای که در آن غیبت مردم را می‌کنند و گوشت مردم را می‌خورند، [نه خانه ای که گوشت مصرف می‌شود]. همانا پدرم به گوشت علاقه داشت و در روز فوتش، سی درهم در دست کنیز امّ ولدش برای خرید گوشت بود.

سه: از عرضه این حدیث گزارش دیگری در دست است: مسمع ابو سیار می‌گوید: مردی به امام صادق(ع) عرض کرد: پیشینیان ما روایت می‌کنند که خداوند از اهل خانه ای که گوشت در آن مصرف می‌شود ناخرسند است. امام فرمود: راست می‌گویند، ولی معنایی که از آن دریافته‌اند، درست نیست.

خداوند از اهل خانه ای که گوشت مردم در آن خورده می‌شود، ناخرسند است.
گزارش دوم نشان می‌دهد که در معنای حدیث تحریف رخ داده و از این رو امام اصل حدیث را تأیید می‌کند، ولی معنای فهمیده شده از آن را انکار می‌نماید. شبیه این رد و انکار را در عرضه حدیث بر امام رضا(ع) خواهیم آورد.

چهار: عبدالله بن سنان، عن ذریح المحاربی: قلت: لأبی عبدالله(ع): إنّ الله امرنی فی کتابه بامر فاحبّ أن أعمله، قال: وما ذاک؟ قلت: قول الله - عزّوجلّ - : «ثمّ لیقضوا نذرهم ولیوفوا نذرهم» قال(ع): «لیقضوا نذرهم»؛ لقاء الإمام؛ و«لیوفوا نذرهم»؛ تلك المناسک.

قال عبدالله بن سنان: فأتیته أبا عبدالله(ع) فقلت: جعلت فداک قول الله - عزّوجلّ - : «ثمّ لیقضوا نذرهم ولیوفوا نذرهم»، قال: أخذ الشارب وقصّ الأظفار وما أشبه ذلک. قلت: جعلت فداک إنّ ذریح المحاربی حدّثنی عنک بأنک قلت له: «لیقضوا نذرهم» لقاء الإمام و«لیوفوا نذرهم» تلك المناسک؛ فقال: صدق ذریح وصدقت، إنّ للقرآن ظاهراً وباطناً ومن یحتمل ما یحتمل ذریح؟ ۵۷
عبدالله بن سنان از ذریح محاربی می‌شنود که او به امام صادق(ع) عرض کرد: خداوند در کتابش مرا بدر کاری امر کرده است که دوست دارم آن را انجام دهم.

حضرت درباره آن می‌پرسید و ذریح می‌گوید: این گفته خداوند: «سپس آلودگیهای خود را بزدایند و به نذر خود وفا کنند»؛ حضرت فرمود: زدودن آلودگی، «دیدار امام» است و وفای به نذر، «مراسم حج» است.

عبدالله بن سنان می‌گوید: به خدمت امام صادق(ع) رسیدم و از مفهوم آیه پرسیدم. حضرت گفت: گرفتن موی پشت لب، چیدن ناخن و مانند اینها. گفتم: فدایت شوم ذریح محاربی از شما این گونه نقل کرده است که منظور از «زدودن آلودگی»،

- ۲۴ . طبقات ابن سعد: ج ۲، ص ۲۶، به نقل مسند امام مجتبی(ع)، ص ۵۳۵، ج ۲۶،
 ۲۵ . ترجمه الإمام الحسن، ص ۱۵۸، به نقل از مسند امام مجتبی(ع)، ص ۵۶۱، ج ۱۸ و بنگرید به: شرح ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۵۶
- ۲۶ . کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۶۲۸
 ۲۷ . المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۸۷، ج ۴۷۹۸
 ۲۸ . دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۲؛ الجعفریات، ص ۵، ج ۲۳
 ۲۹ . تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۵۷، ج ۵۳۰. شاهد دیگر بر عرضه در زمان امام حسین(ع) ماجرای است که سلیم بن قیس نقل می کند (ر.ک: کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۸۳۴ - ۸۴۱). افزون بر این چند گزارش از عرضه حدیث در زمان امام حسین(ع) به عرضه دیگری دست نیافتیم، امید که در جستجوهای بعدی، نمونه های بیشتری بدست آوریم. تنها گزارشی که می توان آن را نشانه ای دیگر بر جریان عرضه حدیث در زمان امام حسین(ع) دانست، عرضه حدیث ایشان توسط عکرمه بر ابن عباس است که در بخش پایانی مقاله (شماره آینده) خواهد آمد. شیخ مفید از عرضه حدیث بر امام حسین(ع) در خواب، گزارش داده است. (نک: الامالی، مفید، ص ۳۴۰، ج ۶).
- ۳۰ . کافی، ج ۸، ص ۱۵، ج ۲
 ۳۱ . کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۵۵۹
 ۳۲ . رجال الکشی، ص ۱۰۴، شماره ۱۶۷
 ۳۳ . رجال الکشی، شماره ۴۰۲
 ۳۴ . فهرست، شیخ طوسی، ص ۱۷۶، شماره ۴۷۰
 ۳۵ . معانی الاخبار، ص ۲۸۲، ج ۱۲
 ۳۶ . کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۶، ج ۲۰
 ۳۷ . کافی، ج ۴، ص ۲۹۴، ج ۱۸
 ۳۸ . بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۲۰۲، ج ۱۵۶. برای موارد دیگر از عرضه حدیث بر امام باقر(ع) بنگرید به: ۱ - رجال النجاشی، ص ۴، شماره یک، روایت معروف ابن خربوذ، ۲ - تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۶۳، ج ۱۶۱؛ الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۹، ج ۳۵۸۳، روایت سدید صیرفی، کنزالعمال، ج ۴، ص ۴۳، ج ۹۴۱۹، ۳ - تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۳۸، ج ۱۴، روایت معمر بن خیثم، ۴ - اخبار الحسن بن علی، طبرانی، ص ۱۲۴ - ۱۸۴
- ۳۹ . در بخش عرضه حدیث بر علماء از همین مقاله نمونه هایی ارائه خواهیم داد.
 ۴۰ . رجال الکشی، شماره های ۶۷۳، ۱۰۳۳، ۶۷۴
 ۴۱ . همان، شماره ۵۱۵
 ۴۲ . همان، شماره ۵۱۲
 ۴۳ . سوره قیامت، آیه ۵
 ۴۴ . معانی الاخبار، ص ۱۸۱، ج ۱
 ۴۵ . نمونه هایی از آن را در پاورقی های ۴۰ - ۴۲ نشان داده ایم.
 ۴۶ . بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۱۴۰، ج ۱۲
 ۴۷ . عرضه بر اصحاب خاص امام نمونه های دیگر نیز دارد، از جمله برهشام بن الحکم. (بنگرید به: بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۹۶، ج ۵)
- ۴۸ . کافی، ج ۴، ص ۳۷۷، ج ۱۳
 ۴۹ . کافی، ج ۴، ص ۲۷۵، ج ۱۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۰۴، ج ۵۳
 ۵۰ . کافی، ج ۲، ص ۳۷۱، ج ۱
 ۵۱ . کافی، ج ۴، ص ۷۸
 ۵۲ . تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۶۷ - ۱۷۶
 ۵۳ . الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۰، ج ۲۰۴۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۶۷، ج ۴۹
 ۵۴ . کافی، ج ۲، ص ۳۹۸، ج ۶
 ۵۵ . بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۰، ج ۳۷
 ۵۶ . کافی، ج ۶، ص ۳۰۸، ج ۵
 ۵۷ . کافی، ج ۴، ص ۵۲۹، ج ۴. برای نمونه هایی دیگر بنگرید به کافی، ج ۵، ص ۳۳۰، ج ۴ و ج ۶، ص ۳۴۳، ج ۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۸۶، ج ۳۷۹
- ۵۸ . برای نمونه بنگرید به: رجال الکشی، شماره ۴۲۵
 ۵۹ . معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۸، شماره ۷۲۸۹
 ۶۰ . تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۰۲
 ۶۱ . بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۲، ج ۵ و ص ۲۰، ج ۸ و ص ۲۱، ج ۱۲
 ۶۲ . کافی، ج ۱، ص ۴۰۳، ج ۲
 ۶۳ . نقلهای ابن عمر در کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۲۳۶، ج ۱۰، ص ۲۲۶ - ۲۲۸، ۲۵۸، ۲۸۸، ۲۹۱ و نقل ابن عباس در ج ۱۶، ص ۱۳۵ آمده است.
- ۶۴ . کافی، ج ۷، ص ۳۳۰، ج ۲
 ۶۵ . رجال النجاشی، ص ۲۱۷، شماره ۵۶۵
 ۶۶ . همان، ص ۲۳۰، شماره ۶۱۲